

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

تغییرات انجام گرفته در اطلس نشنال جئوگرافیک می تواند زمینه ساز اقداماتی باشد که منافع ملی ایران را مورد تهدید جدی قرار دهد

جزایر مهم سه گانه تنب های بزرگ و کوچک و ابوموسی از انگلستان، برای نخستین بار در سده اخیر بار مسئولیت خطیر پاسداری از امنیت منطقه خلیج فارس، دریای عمان تا میانه اقیانوس هند را با موفقیت بردوش گرفت، تا اینکه گرایش غیر متعارف حکومت ایران به وابستگی به بر قدرت آمریکا بجای حفظ فضای همبستگی کشور با موازین متعادل غرب و خودمحموری مغرورانه دولتمردان در مقابل خواست های برحق و دگرگون ساز اکثریت جامعه، رژیم ایران را با بروز انقلابی فراگیر سرنگون ساخت.

بقیه در صفحه ۶

اطلاق دولت به جمع آنها از ۳۰ سال تجاوز نمی نماید، ادعا بر جزایری دارند که در طی ۲۷۰۰ سال گذشته از جمله اراضی جدانشدنی ایران بوده اند که برای چند دهه تحت اشغال غیرقانونی قدرت استعماری درآمد و پس از خروج قدرت مذکور از شرق سوزن به سرزمین مادر اعاده داده شد. حتا در این رابطه صرفاً به خاطر جلب همکاری منطقه ای و ایجاد امنیت آن، ایران سیاست گذشت را نسبت به همسایگان غرب در پیش گرفت. ایران، از یک سو، از پیگیری حقوق تاریخی خود بر بحرین خودداری کرد و، از سوی دیگر، منافع ملی برای شیخ نشین شارجه در جزیره ابوموسی پیش پیش کرد که این اقدام اخیر حتا از دید و آگاهی مردم ایران تا روز انقلاب پنهان نگاهداشته شده بود.

انگلستان بیش از آنکه در سال ۱۹۷۱ پناهر دلایلی نیروهایش را از خلیج فارس بیرون برد با زیرکی های خاص خود کوشید تا به شیخ نشین های کوچک و ناآباد ساحل جنوبی در آن زمان، هویت سیاسی ببخشد و با بستن قرارداد های خاص به آنها و بین آنها، شرایط پدید آورد تا در فرصت های لازم آن سرزمین ها را به چالش با ایران به صحنه آورد. بیرون رفتن نیروهای انگلستان از منطقه مصادف بود با دورانی که آمریکا به علت کمبود ناوگانش در دریای عمان و درگیری در خاور دور، آمادگی نداشت تا در مقابل اتحاد جماهیر شوروی که داعیه برکردن حمله قدرت استعماری انگلستان را در نقاط استراتژیک بویژه خاور میانه داشت، دست به واکنش سریع بزند. از اینرو، با درک مبانی تاریخی و حقوقی ایران و گسترش ساحلی کشور در سراسر کرانه شمالی خلیج فارس و وجود ذخایر عظیم انرژی، طرح تقویت اقتصادی و به ویژه جنبه نظامی ارتش به منظور تامین امنیت آبراه بزرگ منطقه با هماهنگی مشترک به موقع اجرا گذارده شد. این فرایند نه تنها پیروزی دیپلماسی غرب را در چارچوب نظام بازدارنده محدود در برابر تهدید بلوک شرق در منطقه حساس خاور میانه میسر ساخت بلکه خواست استراتژیک ایران را نیز فراهم آورد. از آن پس، دیپلماسی ایران با برقراری روابط حسنه با کشورهای منطقه ای و تدبیر عقد قرارداد الجزایر (۱۹۷۵) از موضع قدرت برتر نظامی با کشور عراق و بازپس گیری

انتشار اطلس جدید "نشال جئوگرافیک" با انجام تغییراتی چند در بخش "خلیج فارس" نسبت به چاپ های پیشین، در روز های گذشته واکنش های فراوانی را در پی داشت که در نوع خود بی سابقه بود. تغییرات یاد شده به هیچوجه در راستای یک نگرش علمی صورت پذیرفته و در تمامی ابعاد آن را باید یک اقدام سیاسی به منظور زمینه سازیهای مورد نظر برای موضع گیری در برابر منافع ملی ایران در مهمترین آبراه استراتژیک جهان به شمار آورد. از این روست که می بینیم در برابر بی نظارتی حاکمیت، دهها هزار ایرانی در درون و بیرون کشور به گونه ای پر شور دست به اعتراض می زنند و از هویت ایرانی کهنسال این آبراه و مالکیت بی چون و چرای ایران بر جزایر سه گانه به دفاع می پردازند. در این اطلس جدید، گذشته از آوردن نام "خلیج عربی" در کنار نام "خلیج فارس" و افزودن نامهای عربی برای برخی جزایر که همیشه با نام ایرانی شناخته شده اند، و در برابر جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک، بر خلاف تمامی ضوابط و کنوانسیون های جهانی، عنوان کنشال شده بوسیله ایران آورده شده که به روشنی نشانگر اقدامی توطئه آمیز در جهت حمایت از ادعای بی پایه شیخ شارجه بر این جزایر است.

نکته شگفت انگیز این است که از تاریخ ورود شیخ های عرب از منطقه نجد به خلیج فارس، طویایف انوسی (آل صبا و آل خلیفه) انوسی پاس و بیل فلاست (آل نهیان و آل ثانی) و طویایف شارجه و رأس الخیمه و غیره، بیش از ۲۰۰ الی ۲۵۰ سال نمی گذرد و به سبب انصاف تعرض دریایی و برهم زنده امنیت و تجارت خلیج فارس و آبهای مجاور، اراضی آنها در نیمه دوم سده نوزدهم به عنوان pirate coast یا سواحل راهزنان در نقشه های جغرافیایی وقت انعکاس داشت. بهمین جهت بریتانیا اراضی آنها را طبق حقوق بین الملل وقت بعنوان res nullius یا اراضی بلاصاحب و درخور تصرف تلقی و بر همین اساس با آنها برخورد داشت. و بر اساس همین سابقه تا ۱۹۷۱ از اطلاق دولت state به آنها خودداری شده بود.

ایک شگفت انگیز تر این است که چنین پدیده هایی که از عصر آنها پیش از دو سده و اندی نمی گذرد، و استقلال و

دیگر مطالب

■ تشکیل ستاد حفاظت
اجتماعی "گام بلند دیگر در جهت
ثبیت بیشتر ساختار اطلاعاتی، امنیتی
و پلیسی حاکمیت

■ فاجعه زیست محیطی در ایران
کاپیتولاسیون دوم

■ ۱۶ آذر ۱۳۳۲

نماد مقاومت و آزادی

■ حضور و سخنرانی چهره های
جبهه ملی در مراسم دانشجویی در
آذرماه

■ چماق اختناق

تغییرات انجام گرفته در اطلس نشنال جئوگرافیک...

در آن میان، در روزهای نخست انقلاب، حذف و فردپاشاندن غیر موجه قدرت ارتش منظم سامان یافته ایران به عنوان سکای دار امنیت و عظمت ملی و ایجاد کننده تعادل قوا در منطقه حساس خاورمیانه پدیده‌های ناخواسته زیرین را بوجود آورد.

۱. شکست استراتژی کارآمد امنیت ملی ۲- سقوط تسلط کم نظیر قدرت نظامی در منطقه خلیج فارس که به سبب آن در فضای بی سامانی ها موجبات تحریک کشور عراق و جرات تجاوز به خاک ایران را فراهم آورد و مدت هشت سال جنگ فرسایشی و ویرانگری را به کشور ما تحمیل کرد. همچنین که ایران دیگر نتوانست نقش مهم خود را در امنیت خلیج فارس ایفا کند. و در این شرایط، دنیای غرب، بویژه آمریکا، بر آن گشت تا این منطقه حساس را به زیر سلطه در آورند. دیری نپایید که نیروهای مسلح آمریکا با تمسک به بروز جنگ کویت و سپس آزاد بخشی عراق از حکومت جبار صدام، با حضور در حوزه خلیج فارس امکان ساماندهی هر طریقی را به منظور تأمین امنیت منطقه که از حقوق مسلم کشورهای ساحلی است از آنان سلب نمود. از سوی دیگر، در پی طرح های استعماری برای رو در روی کشورهای شیخ نشین های ساحل جنوبی با ایران بر پایه تمهیدات قبلی چون عنوان کردن نام "خلیج فارس" شیخ نشین شارجه را وارد گود ساختند تا نسبت به مالکیت جزایر سه گانه ایرانی که تسلط استراتژیک بر تنگه هرمز دارند به ادعای بر دازند.

از یاد نبریم که تنگه هرمز کالال بازرگانی است که خلیج فارس را به اقیانوس هند متصل می سازد. در مسیر طولی تنگه هرمز جزایر ایرانی لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی که با یک خط منحنی می توان آنان را بهم مربوط کرد از برترین موقعیت استراتژیک برای حفاظت از تنگه هرمز برخوردارند و آشکار می سازد که این جزایر تا چه حد از نظر نظامی و اجدامعیت می باشند. از اینرو، هر قدرت نامین کننده امنیت خلیج فارس تلاش در تصاحب آن جزایر را دارد.

بنابراین، درمی یابیم تغییراتی که در اطلس مهم موسسه نشنال جئوگرافیک صورت پذیرفته، پدیده ای تضادفی و کم اهمیت نمی تواند باشد، بلکه به اعتباری می توان آن را زمینه ساز اقدامات نگران کننده ای دانست که می تواند در آینده منافع ایران را بیش از پیش مورد تهدید قرار دهد. پیشگیری از تروژ رویدادهای تهدید کننده در گرو آن است که با اتخاذ سیاستی هوشمندانه و تعامل آمیز با کشورهای مطرح منطقه و قدرت های غرب، بار دیگر قدرت ایران در منطقه زنده سازی شود و در پاسداری از امنیت تنگه هرمز و حفظ امنیت در خلیج فارس و دریای عمان، نقش بنیادی به عهده آن گذارده شود. حاکمان بر قدرت نشسته باید بدانند که هر گونه سهل انگاری، ندانم کاری، سیاست بازی و سازش کاری در راه دستیابی به این مهم، ضربه ای کاری بر استقلال و حفظ یکپارچگی کشور وارد خواهند ساخت که ملت ایران آن را بر نمی تابد.

جبهه ملی ایران
آذر ماه ۱۳۸۳

تشکیل "ستاد حفاظت اجتماعی" گام بلند دیگر در جهت تشبیت بیشتر ساختار اطلاعاتی، امنیتی

و پلیسی حاکمیت

در گیر و دار جریان انتخابات آمریکا و مسائل مربوط به پذیرش شرایط آزاتس بین المللی هسته ای و بحران عراق، خبری در روزنامه ها انتشار یافت دایر بر اینکه طی بخشنامه ای، ریاست قوه قضائیه دستور تشکیل سازمانی اطلاعاتی، قضایی را در قوه قضائیه بنام "ستاد حفاظت اجتماعی" به منظور برخورد با "بی بندوباری و جرایم" در محلات، کارخانه ها، بازار، حوزه، دانشگاه، مدارس و اجتماعات باتوان صادر کرده است. به موجب این طرح، در هر مسجد و محله هسته های اولیه تشکل های مردمی شکل می گیرد و مجموع تشکل محلات به تشکیلات منطقه متصل می شود و مجموع مناطق نیز زیر نظر ستاد مرکزی فعالیت خواهد کرد. این بخشنامه عنوان می کند، همچنین در کار خانات، بازار، حوزه، دانشگاه، مدارس و اجتماعات بانوان و غیره نیز شکل می گیرد و آنان به همان ستاد مرکزی متصل می شوند. این هسته ها همگی به گردآوری و ارسال اطلاعات مردمی در باره جرایم و مرتکبان آنها می پردازند.

این ستادهای می توانند در جهت قریب الوقوع بودن ارتکاب جرایم ضمن ارسال اطلاعات برای مدعی العموم بیدارنگ مراتب را به پاسگاههای همگانی هماهنگ کرده و اقدامات قانونی به عمل آورند. این هسته های می توانند با انجام گشت در شب یا روز از وضعیت محلات مراقبت نمایند.

اینکه به استناد چه قانونی رییس قوه قضائیه می تواند چنین سازمان گسترده ای را با چندین هزار عضو بودجه بسیار سنگین بدون هم آهنگی با دولت و سازمان مدیریت و برنامه و بودجه و کسب مجوز از مجلس تشکیل بدهد، و یا اینکه با وجود سازمانهای عریض و طویلی چون نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات، وزارت کشور، نیروی مقاومت بسیج و ستاد اسیای امر به معروف و نهی از منکر و نهادهای موازی پر شمار دیگر، ساخته و پرداخته کردن چنین ستادی چه توجیه منطقی و قانونی می تواند داشته باشد، بحث هایی است که جا دارد به تفصیلی بدان پرداخته شود. ولی آنچه که بیش از هر چیز موجبات نگرانی همگان را فراهم ساخته آنست که با تشکیل این ستاد و هسته های پر شمار آن، فشارهای موجود، بگیر و ببندها، برخوردهای خوشنیتار، مزاحمت های بی حساب و کتاب، به گونه ای وحشتناک افزایش خواهد یافت. مردمی که سالهاست حتی برای برپایی مراسم عروسی، جشن تولد و میهمانی های خانوادگی خود را با محدودیت های شدید مواجه می بینند و بارها مراسم شادیشان با یورش های آنجنتانی و برخوردهای خوشنیتار به اندوه تبدیل گردیده و سر از بازداشتگاه ها در آورده اند، تشکیل ستاد جدید در جهت تشدید فشار و تجاوز به حداقل های موجود به حقوق و آزادیهای انسانی و اجتماعی خویش بشمار می آورند.

گفته های آقای محدث، دادستان دادگاههای عمومی و انقلاب همدان، درباره پیشینه تشکیل چنین ستاد و هسته هایی در تاریخ معاصر، مطالب نگران دهنده ای است که می تواند هر شهروندی این سرزمین را به اوج نگرانی و خشم برساند. روزنامه ایران (شنبه ۲۳ آبان)

گفته ایشان را چنین نقل می کنند: محدث درباره سابقه تاریخی راه اندازی چنین ستادهایی در دنیا گفت: قبل از فروپاشی شوروی سابق، "کاگ ب" قوی ترین ارگان اطلاعاتی دنیا محسوب می شد که بیشترین اطلاعات خود را از پلیس مردمی می گرفت.

همین یک مورد را کم داشتیم که از "پلیس مردمی" اتحاد شوروی الگو بگیریم و عرصه را بیش از پیش بر جامعه تنگ تر بسازیم.

راستی حاکمیت چه در سر دارد و تا کجا می خواهد بر سلطه خویش بیافزاید. نکته قابل ذکر در اینجا آن است که هنوز مرکب "بخشنامه حقوق شهروندی" که به ابتکار رییس قوه قضائیه صادر گشت و مجلس ششم آنرا با استقبال به صورت قانون در آورد و قوه قضائیه به نازگی در جهت اجرای آن دادگاههای خاصی را ساماندهی کرده خشک نشده که یکباره بخشنامه جدید که شدت نفی کننده "بخشنامه حقوق شهروندی" است صادر می گردد.

آیا این بدان معنا نیست که حاکمیت بر آنست تا به گونه ای وحشتناک ساختار اطلاعاتی، امنیتی و پلیسی را بر جامعه حاکم بگرداند و جو خفقان را به اوج برساند؟!

آنهاهی که الگوی "کاگ ب" را برمی گزینند، جا دارد سرنوشت ساختار اتحاد شوروی و شرایط انفجاری را در آن سامان از نظر دور ندارند و آگاه باشند که ظرفیت جامعه در تحمل فشار حدی دارد و نباید آنرا به مرز انفجار کشانید.

فاجعه زیست محیطی در ایران کاپیتولاسیون دوم

دکتر شاهین سپنتا

آیین نامه ای در هیئت دولت به تصویب رسید که ضمن نادیده گرفتن همه دشواریهای مناطق حفاظت شده و حیات وحش، اصول قانونی و شرافت ملی را نیز در نوردید و آب پاکی را به روی دستان همه علاقه مندان محیط زیست کشور ریخت. بر پایه ماده یکم این آیین نامه، ورود مقامات عالی رتبه کشورهای خارجی به ایران و شکار گنجینه های ژنتیکی و سرمایه های ملی ما از شمول ضوابط و دستورالعمل های همکاری شکار مستثنی خواهد بود.

این مصوبه، که نشانه ضعف و مسامحه در برابر کشورهای بیگانه و نوعی اعطای امتیاز غیر قانونی به مقامات و سران کشورهای دیگر است و موجب وارد آمدن لطمات جدی به محیط زیست کشور می شود، حتی با اصول ۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳ قانون اساسی خود جمهوری اسلامی نیز مغایرت دارد و فاقد جامعیت قانونی می باشد و در حقیقت اعطای "کاپیتولاسیون دوم" از سوی دولت جمهوری اسلامی به سران کشورهای بیگانه می باشد.

این در حالی است که اکثر کارشناسان دلسوز و فهیم محیط زیست طی چند سال اخیر، مواضع صریح و شفاف خود را در خصوص ضرورت ممنوعیت هر گونه شکار در سراسر کشور اعلام کرده اند و فهرست بلند بالایی از گونه های جانوری همچون پلنگ، بوزپلنگ، گورخر، خرس سیاه، گربه پالاس، گربه شنی، شاه روباه، روباه ترکمنی، انواع دلغین، انواع نهنگ، فک دریایی، گیلان شاه خال دار، هوبره، میش مرغ، سیاه خروس، پلیکان خاکستری، خروس غاز، قوی کوچک، درنا سفید، بالکلان کوچک، عقاب شاهی، عقاب طلایی، عقاب دریایی، عقاب ماهی خوار، هما، شاهین، بحری، بالابان، لاجپن، اردک سفید، اردک بلوطی، تمساح ایرانی، لاک پشت دریایی، کورماهی، آنتیوس آب های داخلی، انواع خرچنگ و آرتمیا که عمدتاً از گونه های منحصر به فرد به شمار می روند، در حال انقراض نسل هستند. در چنین شرایطی، بیش از دو دهه است که برخی از مسئولان چنان در اوام و تخیلات کودکانه خویش فرو رفته اند که اصلاً متوجه زرفای فاجعه ای که در حال روی دادن است، نمی باشند.

داخلی و خارجی با مجوزهای مختلف از ارگان های مربوط در کنار حدود یک میلیون مجوز حمل اسلحه و افزایش تعداد گلوله های هر شکارگر از ۳۰۰ به ۵۰۰ عدد برای هر اسلحه، مجموعاً دست به دست هم داده تا همان پس مانده های حیات وحش کشور را به سوی نابودی برانند. تصور کنید که از مجموع ۵۰۰ میلیون فشنگ قانونی و رقیمی بیش از این فشنگ غیر قانونی، اگر تنها یک صدم آن به هدف اصابت کند چه فاجعه ای روی خواهد داد.

اگر چه پس از وقوع انقلاب ۱۳۵۷ تا چند سال فرصت حضور شکارگران در قالب گروه های منظم و زیر عنوان تور شکار فراهم نشد، ولی مناسفانه در سال ۱۳۷۶ خورشیدی، یکی از شرکت های جهان گردی در ایران توانست با تهیه طرحی در زمینه جذب شکارگران بین المللی، مسئولان مربوط را متقاعد سازد که این طرح، فعالیتی سازنده (۱) و در عین حال درآمدزا می باشد. متعاقب این اقدام، اولین گروه شکارگران بین المللی از کشورهای ایتالیا و اسپانیا وارد کشور شدند و اندوه باترت این که از آن زمان تا کنون به دلیل عدم درک صحیح برخی از مسئولان از "اکوتوریسم" و سودجویی برخی از سوداگران و آزمندی سود سرشار ناشی از فروش منابع و گنجینه های طبیعی به شکارگران، این کار اکنون با جدیت بیشتر دنبال می شود. در حال حاضر، شرکت های زیادی موفق به دریافت سهمیه شکارگاه های مختلف کشور شده اند و روند جذب شکارگران بین المللی سرعت بیشتری یافته است. مناسفانه، برخی از نشریات به ظاهر "دوستدار طبیعت" نیز در ترویج و تشویق این بازرگانی مرکباز سهمیه هستند و پایگاه های اینترنتی زیادی چپاولگران را بدون هیچ محدودیتی به ایران دعوت می کنند.

بطور مثال، تنها در یک مورد در اواسط سال ۱۳۷۹، بیش از یک صد نفر از شکارگران حرفه ای از کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس با اخذ این قبیل مجوزها به همراه ۳۱ دستگاه اتومبیل های پیشرفته و ۵۸ پرند شکارگر از انواع خرچ و بحری تعداد زیادی اسلحه شکاری برای صید پرندگان همچون هوبره که شکار آنها از نظر قانونی ممنوع است و نسل آنها رو به انقراض می رود، وارد استان بوشهر شدند.

اندوهبارتر از همه ی اینها اینکه، در آغاز سال ۱۳۸۱،

هر روز در گوشه ای از این سرزمین کهنسال، صدای فرو افتادن و خرد شدن درختان کهن، صدای ناله های دلخراش جانوران به خون غلیظه، صدای ترک خوردن خاک دشت های نشنه، صدای سرفه های مکرر آسمان سیاه بخت و صدای خشخاشناک و خروشنده رودها و دریاها ی آلوده شده، تا افلاک بلند است، ولی گوش شنوایی نیست! هر روز ده ها خبر و گزارش نأسف بار از روند تخریب محیط زیست و منابع طبیعی و تعرض به حقوق زیستمدان در رسانه های گروهی کشور منتشر می شود، ولی کمتر خبری از جبران ستابخش کوچکی از این همه تعدی و تعرض به گوش می رسد. نلش های محدودی نیز که از جانب برخی سازمان های غیر دولتی صورت می گیرد، همچون فطره هایی در این گرداب پراشوب فرو می رود.

تخریب زیستگاه ها، اهم از مراتع و جنگلها، آلودگی هوا، آلودگی آب، فرسایش خاک، چرای بی رویه، شکار غیر مجاز، انقراض نسل گونه های گیاهی و جانوری و رشد غیر اصولی جمعیت و توسعه ی ناپایدار صنعت تنها بخشی از آسیب های وارد شده به محیط زیست کشور هستند.

بر پایه آمار رسمی ارائه شده از سوی کارشناسان سازمان حفاظت محیط زیست، در حال حاضر شمار زیادی از گونه های جانوری و گیاهی موجود در کشور در معرض انقراض هستند. وضعیت موجود تهدیدی جدی برای حیات وحش کشور است که طی ۲۰ سال اخیر این روند نابودی شکل گرفته است و این در حالی است که برای به وجود آمدن یک گونه جدید عمر زمین باید تکرار شود. گونه های با ارزشی مانند شیر ایرانی و ببر مازندران که سلطان بیشه زارها و جنگل های ایران بوده اند، هیچگاه دوباره پا به عرصه حیات نخواهند گذاشت. از سوی دیگر، در حال حاضر تنها ۵ درصد از خاک کشور در قالب مناطق چهارگانه (حفاظت شده، پارک ملی، آثار طبیعی و پناهگاه حیات وحش) مورد حفاظت قرار می گیرند، که این میزان با استاندارد جهانی که بیش از ۱۰ درصد خاک هر کشور را شامل می شود، بسیار فاصله دارد. این در حالی است که نحوه حفاظت از همین مناطق موجود نیز باعث نگرانی است.

شکار قانونی (۱) و غیر قانونی از سوی شکارچیان

چماق اختناق

وز خودسری اختناق آید بیرون
در دفع قلم، چماق آید بیرون

ادیب برومند

از بطن غرض نفاق آید بیرون
هشدار، کز آستین قدرت طلبان

۱۶ آذر ۱۳۳۲ نماد مقاومت و آزادگی

پس از سپری شدن بیش از پنجاه سال از کودتای ننگین ۲۸ مرداد و برکناری حکومت ملی دکتر محمد مصدق، بزرگمرد تاریخ ایران، نام و یاد در دناک روز شانزدهم آذر ۱۳۳۲، همچنان ماندگار است و به صورت نمادی از مبارزات حق طلبی و آزادیخواهی مردم آگاه ایران شناخته می شود. با بررسی همه جانبه می توان دریافت که در تاریخ یکصد سال گذشته این مرز و بوم، جوانان دانش آموز و دانشجوی، با الهام از وجدان پاک خود، همواره در صف های مقدم مطالبه عدالت اجتماعی و ستیز با جهل و ستم قرار داشته و عاشقانه بسوی هدف های مقدسشان حرکت کرده اند و توانسته اند با آتش تلاشهای روشنگرانه و تاثیر گذار خود جامعه را روشن نگاه دارند.

حماسه عبرت آموز شانزده آذر دانشگاه تهران، که در مقطعی حساس از مبارزات استقلال طلبی و پس از برکناری دکتر مصدق، پیش فراوان آن نهضت، اتفاق افتاد، نه تنها برای نسلهای تحصیل کرده و نواندیش، بلکه برای انبوه فعالان سیاسی موضوعی برای مطالعه و توجه و تعمق شد، و در سینه تاریخ ثبت گردید. این حادثه، گویی از بغض مانده در گلوی ملتی بزرگ حکایت می کند یا ناله ای است که در آستانه رسیدن به پیروزی های غرور آفرین به گوش نسل های بعدی می رسد.

اگر جبهه ملی ایران و حزبهای ملی، فرارسیدن روز غم افزای ۱۶ آذر را در اعلامیه ها و نشریه های خود یادآوری می نمایند و به روان های پاک شهیدان دانشگاه درود می فرستند، از آن جهت نیز هست که در برابر فسادها و کژی ها، شعله های وطن خواهی و اصلاح طلبی جوانان غیر تبعند را فروزاتر نمایند، چرا که ملت شریف ایران کماکان از دردهای ناشی از فقر و ستم و فقدان عدالت در رنج بوده و محروم از مواهب شناخته شده برای انسانها زندگی می کند. البته تردیدی نیست که از تاریخ خون آلود شدن صحنه دانشگاه در راه نامین و حفظ استقلال و شرافت ایران و ایرانی، خون و جان صدها، هزارها، بلکه صدها هزار جوان و پیر دیگر فدا گشته، اما نماد روز فداکاری و جانپنازی و احساس مسئولیت "دانشجو"، یعنی شانزده آذر ۱۳۳۲، همچون پرچمی بر قله ی بلند افتخار همچنان در اهتزاز است.

ما ضمن تعظیم به روان تابناک شهیدان دانشگاه، از نقطه نظر عدم احترام هیت حاکمه به آزادی های اجتماعی و سیاسی مردم، و از آن جهت که در رسیدن ملت به آرزوهای بحق و بزرگ، درها همچنان بر پاشنه نیم قرن گذشته می گردد و بارگاه "آزادی" قربانیان بیشتری را می طلبد عمیقاً متأسفیم.

سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران
۱۶ آذر ۱۳۸۳

حضور و سخنرانی چهره های جبهه ملی در مراسم دانشجویی در آذرماه

آقای حسین شاه حسینی عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران در این ماه در دو نشست شرکت داشتند و درباره رویداد شانزدهم آذر به سخن پرداختند. نخست در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران و سپس در پنجشنبه ۱۹ آذرماه در دانشگاه زاهدان.

دکتر پرویز ورجاوند عضو هیأت رهبری و سخنگوی جبهه ملی ایران در مراسمی که از سوی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه درباره بررسی مسائل انرژی اتمی ایران، بر پا گردید به سخنرانی پرداخت و به پرسش های دانشجویان پاسخ گفت. ایشان در روز شنبه ۲۱ آذرماه نیز در همایش دانشجویان دانشگاه علم و صنعت نیز درباره مسائل سیاست خارجی و رویداد ملی شدن صنعت نفت سخنرانی داشتند و به پرسش های دانشجویان پاسخ گفتند.

آقای دکتر رشیدی عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران نیز در همایش روز ۲۲ آذرماه در دانشگاه علم و صنعت در زمینه اقتصاد بدون نفت دولت جبهه ملی دکتر مصدق و هدفهای اقتصادی ملی شدن صنعت نفت سخنرانی کردند.

آقای دکتر هرمداس باوند عضو هیوت رهبری جبهه ملی ایران نیز در همایش رویداد ملی شدن صنعت نفت در دانشگاه علم و صنعت حضور یافتند و درباره این رویداد سخن گفتند.

سخنرانی مهندس کورش زعیب، عضو هیئت اجرایی جبهه ملی ایران در دانشگاه علوم پزشکی اراک بهمناسبت ۱۶ آذر، بعلت لغو مجوز گردهمایی دانشجویان در آخرین لحظه، انجام نگرفت.

آقای عیسی خان حاتمی در روز ۱۵ آذر، در جمع دانشجویان تربیت معلم سبزوار در مورد تاریخچه حرکتهای دانشجویی در ایران سخنرانی نمود. آقای دکتر محمد ملکی نیز در این گردهمایی سخنرانی کردند.

آقای ادیب برومند که در اصفهان دچار سانحه شدند و استخوان لگن ایشان شکست، در بیمارستان مهرداد بستری و تحت عمل جراحی قرار گرفته اند.

سوگمندانه درگذشت شادروان آقای علی اصغر رشیدی برادر گرامی جناب آقای دکتر علی رشیدی، عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران را به این هم اندیش گرانقدر و خانواده ارجمند ایشان تسلیت می گویم و خود را در سوگ ایشان شریک می دانم.
شورای مرکزی جبهه ملی ایران

نشریه داخلی

پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۲۹ - ۱۵۸۱۵

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com